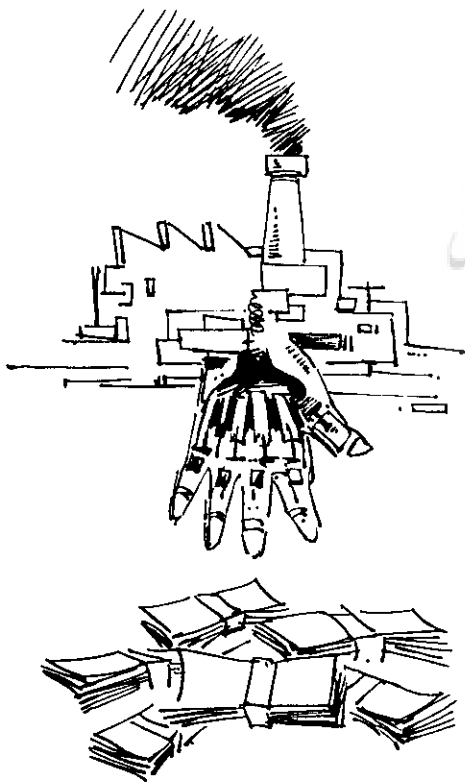


اقتصاد و صنعت از قوانین خاصی پیروی می‌کنند که اگر آنها را نشناسیم یا زیر پا بگذاریم نه تنها در برآورده کردن نیازهای مادی جامعه شکست خواهیم خورد بلکه نیازهای معنوی نیز تحت فشار سرخوردگی‌های مادی سرکوب می‌شوند و ما می‌مانیم و فرصت‌های بسیاری که از دست رفته است.

راه طولانی خصوصی سازی در آلمان شرقی

از: اکونومیست
ترجمه: داود حقیقی



مسابقه مرگ و زندگی ملت‌ها تبدیل خواهد شد. نهادها و نظام‌های آموزشی کهنه و فرسوده موجود توان پاسخگویی به تحولات کنونی را ندارند و فلسفه‌ها، روش‌ها و اصول آنها باید از بنیان متحول شود. برای این کار مدل‌ها والگوها و تجربه‌های موفق کشورهای دیگر در اختیار است و می‌توان از آنها بهره گرفت.

۷- کشورما، در کشاورزی به دلیل تنوع آب و هوا و محصول، مزیت‌های نسبی بسیاری دارد. اگر به کشاورزی با دیدی تازه نگاه شود و از شیوه‌های مدرن و از تمام امکانات تکنولوژی پیشرفته از جمله کامپیوتر و مهندسی ژنتیک

و ماهرها برای بالا بردن بهره‌وری آن استفاده شود، به یقین صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند بخشی از نیازهای ارزی ما را تأمین کند.

۸- ما و بسیاری از کشورهای دیگر در زمینه بازاریابی و مبادلات بین‌المللی ضعف بسیاری داریم. هنوز با معیارهای بازار سنتی خودمان با بازارهای جهانی مواجه می‌شویم. صادرکنندگان ما با مهارت‌های پیشرفته و دانش بازاریابی مدرن آشنایی ندارند و قوانین بازارهای بین‌المللی را نمی‌شناسند، اهمیت اطلاعات بازار را در مورد محصول خودشان درک نکرده‌اند و به نظام‌های اطلاعاتی مدرن جهت کسب آخرین اطلاعات طبق زمان واقعی، مجهز نیستند و فرصت‌های باارزشی را از دست می‌دهند و بسیاری ضعف‌های دیگر دارند. از آن گذشته، بسیاری از آنها حتی زبان خارجی نمی‌دانند، آن هم در شرایطی که زبان خارجی به وسیله‌ای برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی در مذاکرات با خارجی‌ها تبدیل شده است.

به هر حال، دستیابی به این مهارت‌ها چندان دشوار نیست. امکانات آموزشی بسیاری در این زمینه وجود دارد که می‌توان از آن بهره گرفت. به هر حال، کشورهایی چون ما در چرخشگاه تاریخی قرار گرفته‌اند و دولتمردان آنها وظیفه‌ای حساس بر دوش دارند. اینان باید موقعیت خود را در محیطی جهانی که به سرعت در حال دگرگونی است، به دقت ارزیابی کنند و براساس این ارزیابی که لازم است واقع‌بینانه انجام شود، برای حرکت جامعه هدف تعیین کنند و از تمامی امکانات داخلی و خارجی جهت تحقق آن هدف بهره بگیرند. هر ملتی برای خود آرمان‌ها و آرزوهایی دارد که به یقین در بیان هدف‌ها تجلی می‌یابد. ولی رهیافت علمی حکم می‌کند که میان آرمان‌های نشدنی و ناممکن و هدف‌های تحقق‌پذیر فرق قایل شویم و گرنه به ملتی سرخورده و بی‌هدف و ناهم‌زمان تبدیل خواهیم شد.

اقتصاد و صنعت از قوانین خاصی پیروی می‌کنند. اگر این قوانین را نشناسیم و یا آنها را زیر پا بگذاریم، نه تنها در بر آورده کردن نیازهای مادی جامعه شکست خواهیم خورد، بلکه نیازهای معنوی نیز تحت فشار سرخوردگی‌های مادی سرکوب می‌شوند و ما می‌مانیم و فرصت‌های بسیاری که از دست رفته است. □

۱- به کتاب «جابجایی در قدرت» اثر آلون تافلر مراجعه شود.

اشاره:

انجام اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه سابقه‌های نسبتاً طولانی دارد. محورهای مهم اصلاحات اقتصادی نظیر، آزادسازی بازرگانی خارجی، کاهش سود بازرگانی و عوارض گمرکی کالای وارداتی، شناور کردن نرخ برابری پول ملی در مقابل ارزهای خارجی، خصوصی‌سازی فعالیت‌هایی که در گذشته در تملک دولت قرار داشته، و همچنین رفع محدودیت‌هایی که در زمینه فعالیت بخش خصوصی اعمال شده بود از دهه ۱۹۷۰ در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا مورد توجه قرار داشته است. اینگونه اصلاحات در اغلب موارد براساس توصیه‌های سازمان‌های مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و در مقابل درخواست‌های کشورهای مورد نظر برای دریافت وام و یا کمک‌های اقتصادی، به عنوان شروط اساسی برای اعطای این گونه اعتبارات یا کمک‌ها، به اجرا گذارده شده است. در مورد درجه توفیق کشورها در به سامان‌رسانیدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود، بین طرفداران و مخالفان اجرای این گونه اصلاحات اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که از یک سو، دو دهه گذشته شاهد افزایش نجومی میزان بدهی‌های کشورهای روبه‌رشد و به‌ویژه کشورهای آمریکای جنوبی بوده‌ایم، گزارش‌های طرفداران آزادسازی اقتصادی حاکی از آمار و اطلاعاتی مبنی بر حل معضلات اقتصادی-اجتماعی کشورهای مورد نظر در زمینه‌هایی چون کاهش اتکاء به اقتصاد تک‌محصولی، از طریق دستیابی به صادرات متنوع صنعتی، حذف بازارهای غیرقانونی ارز و استقرار نظام یک نرخ، افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین جذب مبالغ عمده‌ای از سرمایه‌های خارجی و نظیر آن می‌باشد. در این گزارش‌ها کمتر به ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از آزادسازی‌های اقتصادی همانند گسترش شکاف طبقاتی (بین فقرا و اغنیاء) از هم‌پاشی نظام‌های سنتی و فرهنگی جوامع و تأثیرات سوءفرهنگ‌های وارداتی از کشورهای توسعه‌یافته اشاره‌ای به چشم می‌خورد. وجود همین تضادهای آشکار در برداشت‌های طرفین اختلاف از عوامل مهم و مؤثر بر بروز تردید در دیدگاه‌های صاحب‌نظران کشورهای رشدنیافته و یا در حال توسعه‌ای است که در ابتدای راه اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی می‌باشد.

واقعیت چیست؟ پاسخ به این سوال مهم و حیاتی جز با انجام تحقیقات علمی و در عین حال بی‌نظرانه امکان‌پذیر نخواهد بود. در این بین دیدگاه نائلی نیز وجود دارد. براساس این نگرش هر گونه جزمیت و مطلق‌گرایی (از سوی هر جناح) مردود و باطل است. چرا که پافشاری بر هر یک از ساختارهای موجود و یا مدل‌های وارداتی دیگر به عنوان داروی شفابخش منحصر بفرد برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه‌نیافته، بدون در نظر گرفتن علل واقعی و ریشه‌های توسعه‌نیافتگی، ثروت‌های مادی و انسانی موجود و بالقوه کشور، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آرمان‌های ملی و ارزش‌های مورد احترام و مقدس جامعه، یک انحراف بزرگ محسوب می‌شود. ادامه بحث فوق از چهارچوب این مقدمه خارج بوده و در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. در اینجا تنها به بهانه طرح مقاله‌ای که از نظر خواهد گذشت، موضوع خاص خصوصی‌سازی مدنظر است. اقدام به خصوصی‌سازی، به استناد تجربیات هم‌زمان در تعداد بسیاری از کشورهای سابق بلوک سوسیالیست، بدون فراهم‌ساختن بسیاری از زیرساخت‌های محیطی از یک سو و شناخت و بصیرت کافی نسبت به ابعاد گوناگون اجتماعی آن از سوی دیگر اقدامی بی‌سرانجام و عقیم خواهد بود. ضمن اینکه سرعت تحقق این خواسته و وسعت و فراگیری امر خصوصی‌سازی نیز باید به استناد و اتکاء به شناخت بی‌نظرانه و علمی از علل بروز تنگناها و مشکلات جاری اقتصادی-اجتماعی کشور تعیین شده باشد.

اکنون ضمن طرح مقاله زیر که بیان‌کننده تجربیات یکی از مهم‌ترین کشورهای اروپای شرقی و در عین حال موفق‌ترین آنها می‌باشد، ادامه بحث فوق را به زمان دیگر موکول می‌نمایم.

مترجم

شرکت «تروی هنداشتالت»^(۱)، که به منظور خصوصی‌سازی اقتصاد از هم‌گسسته آلمان شرقی بنیان‌گذاری شده است، بزرگترین شرکت، مادر و سرمایه‌گذار در جهان و توپوفوتبال، مورد علاقه همه آلمانی‌هاست. چرا که هر چه اخبار اقتصادی ناخوشایندتری از بخش شرقی برسد، «تروی هند» ضربه محکم‌تری را دریافت می‌کند.

سرمایه‌گذاران از دیوان سالاری آن گلایه دارند و اقتصاددانان از اینکه شرکتهای بدون امید بقاء را در بستر پر قونگاه داشته است. اتحادیه‌های کاری هم از حاضر و آماده بودن شرکت در فروش سریع و ارزان سهام و اموال نالانند. در همین حال مستاجران و بیکاران نیز به آن لقب سنگدل را داده‌اند. و در مقابل ایمن سیاستمدارانند که از تحمل ملامت‌ها توسط «تروی‌هند» (یعنی نکوهش‌هایی که در غیر این صورت خود باید پذیرا می‌شدند) خشنودند. لیکن «تروی‌هند» آن کشتارگاهی که اینان وصف می‌کنند، نیست. پس از آغازی ناخوشایند که قتل مدیرعامل پیشروی آن، یعنی آقای «دتلور هوهر»^(۲)، را بدنبال داشت، «تروی‌هند» اکنون با سرعتی خرد کننده به پیش می‌رود و هر هفته بیش از یکصد شرکت را بفروش می‌رساند. ظاهراً دارو اثربخش بوده است، هر چند که ۱۲ درصد از نیروی کار آلمان شرقی بیکار بوده و ۱۶ درصد در مشاغل کوتاهمدت بکار گمارده شده‌اند. البته هر دو شاخص در ماه قبل تنزل داشته است.

برای اینکه بدانیم «تروی‌هند» تا کجا به پیش تاخته است، به تشریح سه تصویر از وضعیت آن که ظرف ۱۲ ماه گذشته از شرکت برداشته شده است، می‌پردازیم:

تابستان ۱۹۹۰

تظاهر کنندگان که از بیم از دست دادن شغل خود به خروش آمده‌اند، آقای «روهوهر» را در دفتر مرکزی شرکت واقع در میدان اسکندر، در برلن شرقی، احاطه کرده‌اند. آنان پس از چندی با نارضایتی عقب‌نشینی می‌کنند. «تروی‌هند» که توسط رژیم کمونیست سابق بنیان‌گذاری شده و فرمان خصوصی‌سازی را در ماه ژوئن ۱۹۹۰ از دولتی که در یک انتخاب دموکراتیک برگزیده شده بود، دریافت کرد، تقریباً هیچ ندارد. نه تلفن، نه فاکس نه اطلاع از آنچه در تملک دارد و نه از همه مهم‌تر نیروی انسانی کارآمد. در کنار شمار کثیری از کمونیست‌های فرتوت که از کمترین دانشی در مورد اقتصاد بازار بهره‌نارند، از موجوداتی همچون مدیران غربی، حساب‌برسان و حسابداران اثری نیست. پرونده‌ها تلمبار شده و پاکات ناگشوده «نامه‌ها» روی میزها پراکنده است.

آقای راینر گولک^(۳)، اولین رئیس «تروی‌هند» که از طرف آلمان غربی منصوب شده بود، تنها پس از چند هفته کار پا به فرار گذاشته است. آقای «روهوهر» مدیرعامل گروه بزرگ فولادسازی «هش»^(۴) بعنوان جانشینی موقت قدم به صحنه

گذارد، لیکن قصد دارد تا پایان سال ۱۹۹۰ بکار ادامه دهد. وضع روحیه در شرکت افتضاح است.

ژانویه ۱۹۹۱.

شماری از تظاهرکنندگان، که بنظر می‌رسد از سرما منجمد شده باشند، خارج از «تروی هند» بی‌چشم می‌خورند. در داخل، ده دوازده مدیر آلمان شرقی با ناامیدی در کریدورها اجتماع کرده و تقاضای یاری می‌کنند اتحاد اقتصادی دو آلمان که از ژوئیه ۱۹۹۰ آغاز شده، شرکت‌های لرزان آنها را کاملاً در معرض رقابت جهانی قرار داده، و افزون بر آن، چون مشتریان آلمان شرقی (فعلات) چنین می‌پندارند که هرچیز متعلق به آلمان غربی مرغوبتر است، شرکت‌های آنها را بایکوت کرده‌اند. با این وجود، اوضاع در «تروی هند» امیدوارکننده بنظر می‌رسد. بدنبال تقاضای آقای هلموت کهل (صدراعظم آلمان غربی)، آقای «روهودر» پذیرفته است که به کار خود ادامه دهد. وی بسیاری از کارکنان بلااستفاده را بیرون ریخته، و همزمان با عدم تمرکز بخشیدن به فعالیتها، مدیران غربی را نیز برای کار در شرکت فریفته است. بخش عمده‌ای از خصوصی‌سازی توسط پانزده شعبه منطقه‌ای شرکت که اخیراً ایجاد شده انجام می‌گیرد، تنها شرکت‌هایی که بیش از ۱۵۰۰ نفر کارگر دارند، هنوز از طریق دفتر مرکزی خصوصی می‌شوند. «تروی هند» با تشکیلات ایالتی و شهرداریهای بخش شرقی، که خود تحت فشار کمبود نیروی انسانی و مشکلات زیاد قرار دارند، درگیر مبارزه است. «تروی هند» هم چنین باید در مقابل آنچه آقای «روهودر» آنها را چماق‌داران غربی - که می‌کوشند معاملات ناجور را به آن تحمیل کنند - می‌نامد: ایستادگی کند. با وجود همه این دشواریها، این سازمان توانسته است تعداد ۶۰۰ شرکت صنعتی را از بین بیش از ۸۰۰۰ شرکت موجود خود خصوصی سازد.

ژوئیه ۱۹۹۱

«تروی هند» از میدان اسکندر به بزرگترین ساختمان اداری در شهر برلین واقع در خیابان «لاپیگر»، که قبلاً محل وزارت دفاع «هرمن گورینگ»^(۵) بوده و دیوار برلین از نزدیک آن می‌گذشته، نقل مکان کرده است. داخل ساختمان اخیراً به رنگ سفید روشن رنگ‌آمیزی شده و دفاتر از دستگاههای کامپیوتر، فاکس، فتوکپی و تلفن (با شماره‌های غربی و شرقی) انباشته شده است. بازدیدکنندگان می‌توانند کاتالوگ ۶۰۰ صفحه‌ای جدید سازمان را، که دربرگیرنده اطلاعات واحدهای صنعتی قابل فروش، شامل سازندگان اسباب‌بازی تا دیگهای بخار، تفنگهای شکاری تا ماشینهای لباسشویی، پروژکتورهای سینمایی تا قایقهای تفریحی (فعالیتی که حتی در دوران کمونیزم نیز جان بدر برده است) بوده و بصورت دیسک کامپیوتری نیز در اختیار قرار می‌گیرد بازمینی کنند.

● مقامات «تروی هند» می‌گویند بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی هنوز درنیافته‌اند که با ورود به بازار در حال توسعه آلمان و به تبع آن جامعه اروپا چه فرصت‌های باارزشی به آنان عرضه می‌شود.

● عده‌ای برای این عقیده‌اند که بهتر بود شرکت‌های آلمان شرقی به حراج گذاشته می‌شد تا بازار تکلیف آنها را مشخص می‌کرد.

● شرکت «تروی هند» به‌طور مکرر از سوی هر دو بخش غربی و شرقی آلمان مورد شماتت قرار می‌گیرد.



نیروی انسانی سازمان اکنون حدود ۳۰۰۰ نفر بوده که شامل ۱۰۰۰ نفر از غربی‌هاست که پستهای بالا را اشغال کرده‌اند، ۹ نفر از مدیران ارشد تحت هیأت نظارت متشکل از بازرگانان، اتحادیه‌های تجاری و سیاستمداران و یک نفر خارجی بنام «آندره لی‌زن»^(۶) (اهل بلژیک) عهده‌دار وظایف اجرایی هستند. کهنه‌کارهای «تروی هند» امروزه از فراوانی صورتجلسات و یادداشتها و ناچیزی فعالیت و روحیه پیشتازی می‌نالند.

چه کارهایی انجام یافته است؟

مدیرعامل جدید و سخت‌گیر «تروی هند»، خانم «بریژیت بروول»^(۷) نظری خلاف این دارد. شواهد نظر او را نشان می‌دهد چرا که سازمان تا حال نزدیک بتامی بیش از ۲۰/۰۰۰ واحد فعالیت کوچک خود شامل فروشگاهها، سینماها، رستورانها و هتلها (البته نه هتل‌های بزرگ بین‌المللی) را بفروش رسانیده است. شمار کثیری از این واحدها را اهالی بخش شرقی آلمان تصاحب کرده‌اند. تا پایان ماه ژوئیه، هم چنین نزدیک به ۳۰۰۰ واحد صنعتی جمعا به ارزشی معادل ۱۱/۶ میلیارد مارک (۷۰ میلیون دلار) بفروش رسیده، قول سرمایه‌گذاری بمبلغ ۶۸ میلیارد مارک از خریداران (بیشتر اهالی آلمان غربی) گرفته شده و بیش از نیم میلیون فرصت شغلی تضمین شده است.

خانم «بروول» این توفیقات را بیشتر از زحمات مدیرعامل سابق می‌داند که در ماه آوریل، یعنی درست در زمانی که زحماتش به بار می‌نشست، مورد اصابت گلوله تروریستها قرار گرفته و کشته شد. در راس همه وی بود که توفیق یافت تا با اخذ نظر دولت برای برداشتن بزرگترین مانع حقوقی بر سر راه سرمایه‌گذاری در بخش شرقی، راه را برای موج جدید خصوصی‌سازی هموار سازد. البته کارکنان بر این باورند که مدیرعامل جدید نیز قابل احترام است، هرچند که از وی تا حدودی می‌ترسند. خانم «بروول» که در ایالت «ساکسونی سفلی»^(۸) بعنوان وزیر اقتصاد سابق دمکرات‌های مسیحی از شهرتی چون خانم «تاچر» برخوردار بوده، و به طرز برجسته‌ای بر کار خود واقف و در مقابل مهمل‌گوییان بدون گذشت است.

او باید هم اینطور باشد، «تروی هند» تنها به فعالیت فروش اشتغال ندارد، هرچند که دست‌اندرکاران بازار آزاد بر این باورند که اگر چنین بود اثربخشی بیشتری می‌داشت. البته اگر شرکت‌های دولتی آلمان شرقی در وضعیتی غیر از آن بودند که رژیم کمونیستی بر سر آنها آورده بود، «تروی هند» باید تنها فروشنده آنها بود. درواقع شمار بسیاری از «شرکت‌های خلقی» موزهای صنعتی آلوده‌کننده محیط زیست هستند، با کارگرانی کارآموده ولی بدون انگیزه و کوهی از بدهیها. «تروی هند» خیلی زود دریافت که بجای اینکه تنها با مساله فروش تعدادی شرکت سرو کار داشته باشد، با سموظیفه پیچیده زیرویاروست:

- فروش شرکت‌هایی که مشتریان برای خرید آنها شتاب دارند.

- کمک به اصلاح ساختار آن گروه از شرکت‌هایی که با اتکا به دلایل قوی ادعا می‌شود که در صورتی که به آنها فرصت داده شود، می‌توانند سلامت و توان رقابتی خود را بازیابند.

- تعطیل شرکت‌هایی که امیدی به احیای آنها نیست.

وظیفه اول شرکت ایجاد منبع نقدینگی است که این نیز برای جبران هزینه دو وظیفه دیگر تکاپو نمی‌کند. البته هرگاه «تروی هند» این آزادی عمل را داشت که برای فروش شرکت‌ها به بالاترین قیمت ممکن اقدام کند، در آن صورت می‌توانست بین منابع و نیازهای تعادلی برقرار کند. درواقع این سازمان بدنبال دستیابی به مجموعه‌ای از بهترین نتایج، شامل اخذ تعهد سرمایه‌گذاری و تضمین مشاغل بوده است. شرکت عظیم شیمیایی آلمان غربی، «باسف»^(۹) برای تملک کارخانه‌ای در «شوارتزهاید»^(۱۰)، در مجاورت شهر در سدن^(۱۱) عملاً چیزی نپرداخت. بلکه پذیرفت که لااقل ۵۰ میلیون مارک در آن سرمایه‌گذاری کند.

شرکت فولکس واگن نیز برای خرید شرکت خودروسازی «ساشنرینگ»^(۱۲) سازنده خودروی «تارانت»^(۱۳) مبلغ ۱۵۰ میلیون مارک پرداخت

کرده و درصدد است ۷ میلیارد مارک هم در آن سرمایه‌گذاری کند.

بطور معمول، خریداران قادر نخواهند بود که از زیر بار تعهدات خودشانه خالی کنند. این تعهدات عمدتاً در قرارداد فروش درج شده و جرایمی هم برای عدم اجرای آنها پیش‌بینی شده است. همچنین «تروی هند» می‌تواند بخشی از بدهیهای شرکتها را که، مربوط به دوران سابق است، از دوش خریداران بردارد. این شرط نیز بنوبه خود بر قیمت فروش اثر می‌گذارد.

نتیجه اینکه خصوصی سازی برای ناظران بیرونی و حتی برای برخی از اعضای تروی هند فرآیندی ابهام‌آمیز بوده و همواره غرولندهائی را مبنی بر غیر عادلانه بودن معاملات از سوی متقاضیان خرید بدنال داشته است. خارجیان عنوان می‌کنند که هرچند سیاستی رسمی مبنی بر اولویت داشتن آلمانها اتخاذ نشده است، معهدا یک باند مافیائی، متشکل از شهروندان بخش غربی آلمان، دست اندر کار صید مرواریدها و ارسال آنها به موطن خود است. در مقابل گروهی از تجار و سرمایه‌گذاران اهل آلمان مدعی هستند که «تروی هند»

بلحاظ اشتیاقی که به جلب رقابت خارجیان داشته است، پیشنهادات خوبی را که از آلمانها دریافت کرده، نپذیرفته است. آقای روهو در پیشنهاده اولسبهای را که از سوی گروه «اشتاگنبرگر» (۱۴) برای ۳۵ هتل از گروه «اینترهتلز» (۱۵) ارائه شده بود، نپذیرفت و خرید هتلهای مورد اشاره هم‌اکنون از سوی خریداران دیگری از اروپا، آمریکا و آسیا تعقیب می‌شود. «تروی هند» همچنین از کوششهای «لوفت هانزا» (۱۶) برای تصاحب خط هوائی آلمانشرقی، «اینترفلوگ» (۱۷)، با این امید عبث که شرکت «بریتیش ایرویز» (۱۸) نیز برای خرید آن اظهار علاقه کرده و به رقابت برخیزد ممانعت بعمل آورد. نتیجه این تصمیم، تاخیر طولانی مدت، افزایش زیان «اینترفلوگ» و در نهایت انحلال آن بود، هرچند که بخش کوچکی از این خط هوائی اخیراً به شرکت «پایپر» (۱۹)، از آلمانغربی فروخته شد.

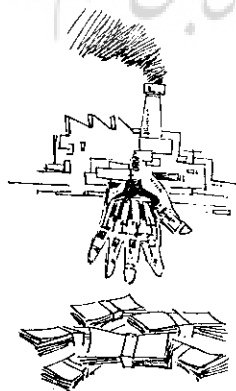
پرواضح است که شهروندان آلمانغربی در تکاپوی خود در بخش شرقی، نسبت به رقبای خارجی خود از مزیت‌های درونی نظیر، زبان مشترک، پیوندهای تاریخی باشرکت‌های مورد نظر، و همچنین در موارد نادر، شناخت کامل از مخاطرات قانونی در بخش شرقی، برخوردارند. افزون بر آن، پارهای از شرکت‌های خارجی نظیر «جنرال موتورز»، از طریق شرکت تابع خود یعنی «اوپل»، طرح‌های خود را از صفر آغاز کرده و شرکت موجودی را تصاحب نکرده‌اند. بااینهمه، تعداد خریداران خارجی ناچیز بنظر می‌آید، از تعداد قریب به ۳۰۰ شرکت که تا پایان ژوئیه بفروش رسیدماند، تنها ۱۱۵ شرکت را ۸۴ خریدار خارجی تصاحب کرده‌اند. گرچه یک شرکت اندونزیائی تعهد به

انجام سرمایه‌گذاری بزرگی را پذیرفته است، حتی یک مورد ژاپنی هم در بین خریداران مشاهده نمی‌شود.

مقامات «تروی هند» می‌گویند بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی هنوز در نیافتند که با ورود به بازار در حال توسعه آلمان و به تبع آن جامعه اروپا، چه فرصتهای با ارزشی به آنان عرضه می‌شود. در عوض، آنان به سوئیس‌های زیرک که تعداد بسیار زیادی از شرکت‌های کوچک در زمینه مهندسی، فولاد، شیمیائی و خرده‌فروشی را تصاحب کرده‌اند، اشاره می‌کنند. هرگاه «تروی هند» به واقع مشتاق آنست که بخش بیشتری از مایملک خود را درید خارجیان ببیند، مقامات عالیرتبه آن باید بیشتر به خارج مسافرت کنند. اقدام وزیر اقتصاد آلمان، «یورنگن مولمان» (۲۰)، که اواخر ماه جاری به همراه مقامات «تروی هند» سفری به دور آمریکا داشت برای فروش شرکتها بود.

کسری ۲۱ میلیارد مارکی جاری در چهارچوب کسری، مورد موافقت وزارت دارائی است، لیکن برخی از کارکنان شرکت اعتقاد دارند که کسری به زودی افزایش خواهد یافت. بهر صورت بنظر می‌رسد که در سال آینده کسری منابع به ناچار افزایش خواهد یافت. زیرا تعداد کمتری از شرکت‌های بزرگ، قابل فروش باقی مانده است در حالیکه صورتحساب‌های کلان باید پرداخت شود. از اقلام مهم هزینه که میزان آن هنوز ناشناخته مانده، مخارجیست که «تروی هند» باید در مشارکت با سرمایه‌گذاران بمنظور

● ۳۰ بانک که بیشتر آنها هم خارجی هستند برای سرعت بخشیدن به فروش شرکتها و رایزنی در زمینه فروش سهام به مدیران، با شرکت «تروی هند» همکاری می‌کنند.



پاکیزسازی محیط زیست از آلودگی‌های گذشته صرف کند. برعکس گذشته، امروزه هیچگونه تصور خوشبینانه‌ای در مورد امکان سودآوری «تروی هند» وجود ندارد.

آیا روش بهتری هم وجود دارد؟

آیا بغیر از بکارگیری موجود عظیم‌الجثه و غریبی نظیر «تروی هند»، گزینه دیگری هم وجود داشته است؟

گروهی چنین معتقدند که بهتر بود دولت، شرکت‌های آلمانشرقی را به حراج می‌گذاشت و اجازه می‌داد بازار تکلیف آنها را تعیین کند. شاید این روشی عملی بود، ولی دولت آمادگی پذیرش مخاطرات ناشی از ایس‌روش را نداشته است. دولت از این اندیشناک بود که مبادا این گونه سیاست‌های بدون دخالت مستقیم، میزان بیکاری و ناآرامیهای اجتماعی بیشتری را در آلمانشرقی موجب شود. از اینرو «تروی هند» در نقش یک بانک سرمایه‌گذاری، بین دولت و فعالیتهای بازرگانی و صنعتی بعنوان یک ضربه‌گیر و دایه برای آنها عمل می‌کند: البته این شیوه سهل و آسان نیست، لیکن بار سوم سنتی اجتماعی آلمانغربی انطباق دارد. حتی خانم «بروول» که از هواخواهان قدیمی «میلتون فریدمن» (۲۱) محسوب می‌شود، کما بیش از روی بی‌میلی، این واقعیت را، که ایفای نقش فوق‌الذکر بمنظور کمک به اتحاد دو آلمان ضروریست، پذیرفته است.

با پذیرش تمامی توجیحات فوق‌الذکر، سؤال اینست که چرا تنها یک «تروی هند» باید ایجاد شود؟ آیا ایجاد سازمانهای مستقل منطقه‌ای موجبات کاهش دیوان سالاری، رونق یافتن رقابت و سرعت بخشیدن به خصوص سازی را فراهم نمی‌ساخت؟ این شیوه امکان‌پذیر بود و بهمین جهت نیز سال قبل نگرانیهای فراوانی-نسبت به ایجاد تشکیلات بزرگ و گسترده‌ای که بوضوح بیاد آورنده تمرکزگرائی دوران کمونیزم بود- ابراز می‌شد. لیکن این نگرانیها، بیشتر از ترس اینسنگه سازمانهای منطقه‌ای مقهور سیاستمداران محلی شده و به حفظ شرکتها و مشاغلی که از شانس بقاء برخوردار نبودند، وادار شوند، زیاد بروز نیافت.

هر چند «تروی هند» دارای شعب محلی نیز هست، اما باز یک سازمان یکپارچه و بزرگ محسوب می‌شود و به تجربه آموخته است که به سازمانها و افراد غیر سازمانی نیز تفویض اختیار کند.

باتوجه به همه این مشکلات، وظیفه فروش شرکتها در «تروی هند» در مقایسه با سایر امور یعنی تجدید ساختار شرکت‌هایی که امید به آینده دارند و تعطیل مابقی آنها سهل‌تر بنظر می‌رسد. در نخستین ماه بحرانی پس از اتحاد اقتصادی دو آلمان، «تروی هند» به شرکت‌های سردرگم خود نوعی حمایت نقدینگی اعطاء کرد واز آنان خواست که، اگر نیازمند کمک‌های بیشتری هستند، پیش‌نویسی از ترازنامه شرکت خود را

با واحد پولی مارک آلمان غربی تهیه کرده و به همراه برنامه‌های قابل اتکاء برای بقای خود عرضه کنند. برخی از مدیران خیلی زود به این امر گردن نهادند، دیگران که به ظاهر تمایل هم داشتند در برخورد با روش‌های حسابداری غربی دچار دست‌پاچگی شده و نوشته‌های بی‌مصرفی را تهیه کردند که متعاقباً به آنها گفته شد، مجدداً اقدام کنند. با این وجود، سایرین (شامل کارکنان پلیس مخفی سابق آلمان شرقی) برای کسب اطمینان از اینکه خود و همپالگی‌هایشان کماکان عهده‌دار پست‌های بالا خواهند بود، به حساب‌سازی و تهیه گزارشات ساختگی پرداختند. برخی از این مدیران با دریافت رشوه از متقاضیان خرید آلمانی (بخش غربی) قیمت‌های شرکتها را کاهش دادند تا «تروی هند» به پذیرش فروش آنها با قیمت‌های پایین‌تر ترغیب شود.

اگرچه از روزهای آغازین فعالیت تاکنون، «تروی هند» توانسته است از شریک ۱۴۰۰ مدیر آلمان شرقی، به دلیل عدم صلاحیت ویا دلایل بدتر از آن خود را برهاند. اما عنوان می‌کند که به حدود ۲۰۰۰۰ مدیر خوب شدیداً نیازمند است. همچنین بیش از ۶۰۰ شرکت شامل شرکت‌های معروف اما زیان‌ده، نظیر دور-سین‌سازی «پراکتیکا»^(۲۳) و خودروسازی «وارتبرگ»^(۲۳) تعطیل شده واز جانب دیگر تعداد بسیار زیادی از واحدهائی که به عقیده مالیات دهنده‌های غربی (که پرداخت‌کنندگان اصلی صورت هزینه هستند) باید دور ریخته می‌شدند، همچنان فعال نگاهداشته شده است.

«تروی هند» بطور مکرر از سوی هر دو بخش غربی و شرقی آلمان مورد شتمات قرار می‌گیرد. برخی از کارشناسان آلمان غربی براین اعتقادند که صرف پول‌های زیاد برای رام‌اندازی دوباره بخشی از صنایع شیمیائی بسیار آلوده‌ساز واقع در نزدیکی «لایپزیک»، اقدامی غیرعقلانه است. در حالیکه شرقی‌ها از این گلایه دارند که به رغم سرمایه‌گذاری «تروی هند» و دولت محلی، تنها می‌توان نیمی از تعداد مشاغلی را که از دست خواهد رفت، یعنی تنها حدود ۳۰۰۰۰ فرصت شغلی را- حفظ کرد.

در سال جاری، براساس برآوردهای «تروی هند»، سازمان مزبور انتظار دارد که حدود ۱۷ میلیون مارک از محل فروش به جنگ آورد، در حالیکه باید در همین مدت مبلغ ۳۸ میلیون مارک هزینه کند. مخارج عمده‌ای که باید انجام شود عبارت است از: ۱۳ میلیارد مارک برای تجدید ساختار شرکتها، ۶ میلیارد مارک کمک به کارگرانی که شغل خود را از دست می‌دهند، و ۷ میلیارد مارک نیز بابت بهره مربوط به بدهی ۱۰۲ میلیارد مارکی که در دوران کمونیستها به هدر رفته است.

برای سرعت بخشیدن به فروش شرکتها و رایزنی در مورد روش‌هایی نظیر فروش سهام به مدیران^(۲۴) (زمینه‌هایی که «تروی هند»- و در واقع آلمان- در آن کم‌تجربه است) نزدیک به

● شرکت «تروی هند» اشدانتالت» برای خصوصی سازی اقتصاد از هم گسسته آلمان شرقی بنیان گذاری شده است

● «تروی هند» هر هفته بیش از
۱۰۰ شرکت را به فروش رسانده
است



● «تروی هند» تاکنون ۲۰۰۰۰
واحد فعالیت کوچک خود را به
فروش رسانده است.

● شمار بسیاری از «شرکت‌های
خلقی» موزه‌های صنعتی آلوده
کننده محیط زیست هستند، با
کارگرانی کار آزموده ولسی
بی‌انگیزه و کوهی از بدهی‌ها

«۳۰» بانک سرمایه‌گذاری که بیشترشان نیز خارجی هستند، به کمک گرفته شده‌اند. همچنین یک تیم ۹۰ نفری از حسابداران، حقوقدانان و سایر متخصصان ذیربط نیز برای اظهارنظرهای مستقل در مورد نحوه تجدید ساختار شرکتها و برنامه‌های خصوصی‌سازی به «تروی هند» یاری می‌دهند.

همچنین (بدون اعلام عمومی) گروهی از قضات بازنشسته آلمان غربی نیز به شکایاتی در مورد اینکه شبکه‌هایی از مقامات ارشد کمونیست هنوز در «تروی هند» ویا شرکت‌های آن به فعالیت مشغولند، رسیدگی می‌کنند. تاکنون ۴۰۰۰ شکایت از این دست دریافت شده است. مقامات «تروی هند» عنوان می‌کنند که سازمان، افراد را تنها به صرف اینکه در گذشته عضویت حزب کمونیست آلمان شرقی را دارا بوده‌اند، بیرون نمی‌ریزد. بلکه تنها مقامات ارشد حزب ویا ایادی

پلیس مخفی سابق را از کار برکنار می‌کند. البته اثبات این امر در بیشتر موارد دشوار است. زیرا در ماه‌های بحرانی پیش از برگزاری انتخابات دمکراتیک در سال گذشته، دهها هزار از این مقامات توانستند، پرونده‌ها و سوابق حاوی اطلاعات مربوط به گذشته نادرست خود را نابود و سربه نیست کنند. با این وجود از بین ۱۴۰۰ مدیر اخراجی تاکنون، ۴۰۰ نفر از آنها بدلال سیاسی برکنار شده‌اند.

زمانیکه «تروی هند»، که مورد علاقه مردم هم نیست پس از خاتمه کار خود بطور اجتناب‌ناپذیر از صحنه فعالیتها محو شود، به یقین هیچ‌کس برایش مویه نخواهد کرد. این رویداد چه زمانی بوقوع خواهد پیوست؟ به رغم سرعت واگذاری و فروش، سازمان هنوز بیش از ۱۰۰۰۰ واحد دیگر را باید خصوصی کند، که این تعداد نسبت به زمان تاسیس آن بیشتر هم شده است. دلیل این فزونی آنست که شرکت‌های بزرگ غیرقابل اداره که در دوران گذشته ایجاد شده، به واحدهای کوچکتر که از جذابیت بالقوه‌ای نیز برخوردار است، تبدیل شده‌اند.

با این وصف، خانم «بروول» می‌گوید بسیاری از شرکت‌های کوچک بسرعت بفروش رسیده و «تروی هند» بتدریج کوچکتر خواهد شد. وی انتظار دارد سال آینده سه شعبه منطفه‌ای را تعطیل کند. حال سئوال اینست که تکلیف شرکت‌های غیرقابل فروشی که به دلایلی نمی‌توان آنها را متوقف کرد چه خواهد شد؟ «تروی هند» بعنوان بزرگترین شرکت مادر و صاحب سهم امروز جهان ممکن است که به بادوام‌ترین شرکت «موقت» تغییر نام یابد!

- 1- Treuhammstatt
- 2- Dettlev Rohwedder
- 3- Reiner Gohlk
- 4- Hoesch
- 5- Hermann Goring
- 6- Andre Leysen
- 7- Brigit Breuel
- 8- Lower Saxony
- 9- Basf
- 10- Schwarz Heide
- 11- Dresden
- 12- Sachsenring
- 13- Tarbant
- 14- Steigenberger
- 15- Interhotels
- 16- Lufthansa
- 17- Interflug
- 18- British Airways
- 19- Piper
- 20- Jurgen Mollemann
- 21- Milton Friedman
- 22- Praktica
- 23- Wartburg
- 24- Management- buy- out